وقتی که برمی‌داشت سر مبارک خود را از رکوع قوله اذا رفع رأسه مخصوص است بروایت
حاکم این حدیث صریح است در اینکه مسنونیت دعای قنوت بعد از رکوع است موافق
مذهب امام شافعی لیکن در صحیح بخاری و مسلم مروی است از انس رضی الله عنه که دعای
قنوت رسول خدا پیش از رکوع بوده و نخوانده است این دعا بعد از رکوع مگر یک ماه
و در شرح آثار است که ابن مسعود رضی الله عنه دعای قنوت در هیچ نمازی نمی‌خواند
مگر در وتر پیش از رکوع و مشهور از مذهب امام شافعی آنست که مخصوص است دعای قنوت
در وتر بنصف آخر شهر رمضان بعد از رکوع و در نماز فجر علی الدوام است بعد از
رکوع و نزد ما قنوت فجر منسوخ است کذا فی الشرح   فیقول اللهم اهدنی
فیمن هدیت وعافنی فیمن عافیت وتولنی فیمن تولیت
وبارک لی فیما اعطیت وقنی شر ما قضیت انک تقضی
ولا یقضی علیک وانه لا یذل من والیت ولا یعز
من عادیت تبارکت ربنا وتعالیت
تولی دوستی داشتن با کسی و منه من یتولهم منکم و بکار کسی قیام کردن و منه الله ولی
تولی کبره و ولایت دادن و هر یک ازین سه معنی اینجا درست است برکت بفتحتین افزون
شدن طعام برکت کردن شتر مبارک که در اصل بهر کنا البعیر اذا ناخ فی موضع فلزمه (?) و در
روایت ترمذی و حاکم است فانک تقضی بجای ذلک بکسر خوار شدن ضد عز ذل بکسر رام
و خوار شدن از باب ضرب موالاة دوستی و هواسیک کردن با هم معادات
دشمنی کردن   یعنی در سنن اربعه و صحیح ابن حبان و مستدرک حاکم و مصنف
ابن ابی شیبه مروی است از حدیث حضرت حسن ابن علی رض که رسول خدا تعلیم
کرده است مرا کلماتی که بگویم آن کلمات را در قنوت وتر و بیهقی گفته ان محمد بن
الحنفیه

الحنفیه قال ان هذا الدعاء الذی کان یدعو به ابی فی صلوة الفجر فی قنوته و ان کلمات
اللهم اهدنی است الی آخرها یا رب راه نما مرا براه راست در جماعه که ثابت
داشته آنها را بر راه راست عافیت عطا کن مرا و سالم دار از آفات دینی و
بلیات دنیوی در جماعه که ثابت داشته ایشان را از آن آفات و بلیات و دوست
دار مرا و متولی کار من باش یعنی برد سر کرم خود بگیر کارهای مرا و بر ولایت کرامت
ثابت دار مرا و زیادت کن و بفزای و دایم دار مرا خیریت دارین و نگاه دار
کرامت ده مرا در چیزی که عطا فرموده و نگاه دار مرا از بدی آنچه تقدیر کرده برمن از حکم خود
چنانکه فرموده اند افر من قضاء الله تعالی الی قدره پس کلمه ما در موضعین موصوفه
است یا موصوله و محتمل که مصدریه باشد ای فی اعطائک یا ای در حق است قضاء که
آنکه تو حکم می‌کنی و حاکمی علی الاطلاق بهر چه میخواهی و حکم کرده نمیشود بر تو ای هیچ احد
حاکم نیست بر تو و واجب نیست بر تو چیزی مگر آنچه واجب کرده برخود بمقتضای وعده
خود و تحقیق شان اینست که ذلیل و خوار نمی‌شود کسی که دوستی و هواسیک کرده با او
ولا یعز من عادیت از زیادت نسائی است که تصریح است بمفهوم ضمنی انه لا یذل من والیت
و غالب نمی‌شود کسی که دشمنی و کسیک کرده با او تبارکت زیادت کرده در خیر و
بسیار بلندی و بزرگی از فهم عقلاء عاقلان تعالیت از علم همه عارفان و در روایت ابن حبان
است زیادت نستغفرک و نتوب الیک چنانکه در بعض نسخ است   وصلی الله
علی النبی   یعنی در سنن نسائی مروی است از حضرت حسن بن علی رضی الله عنه
زیادت صلوة با این صیغه در آخر این دعا ای معظم گردانیده است یا معظم گرداند خدای
تعالی رسول خود را در هر دو جهان باید دانست که مستحب است جمع در قنوت وتر میان
این دعا و دعائی که آخر است ای اللهم انا نستعینک الخ و مستحب تقدیم هذا لانه الاصح

Copyright © King Saud University